

نظام عتیقه و مخرب مالیات‌ستانی در ایران

دکتر هوشنگ طالع

از متخصصان علوم اقتصادی اروپا نیز هوادارانی پیدا کرده است. گروه مزبور این عقیده را تبلیغ می‌کنند که برای صرفه‌جویی در امر جمع‌آوری مالیات، حذف شیوه‌هایی که می‌تواند به فساد انجامد و... می‌بایست «مالیات بر فروش» را جایگزین انواع مالیات‌های کنونی ساخت. یعنی، با تعیین نرخ درست مالیات بر فروش، از گرفتن دیگر مالیات‌ها، مانند مالیات بر حقوق، درآمد اشخاص حقیقی یا حقوقی و... چشم‌پوشی کرد. آنان بر حق استدلال می‌کنند که در هتدادهای (نظام) اقتصاد متکی بر بازار، همه کالاها و خدمات از راه بازار داد و ستد می‌شوند.

در این فرآیند، کالا و خدمات گوناگون، تنها در اثر فروش و خرید، از سوی عرضه‌کنندگان در اختیار تقاضاکنندگان قرار می‌گیرند. مصرف‌کنندگان (تقاضایان) نیز با پرداخت مالیات بر فروش، مالیات مربوط را می‌پردازند. توانگرها (حقیقی یا حقوقی)، با خرید و مصرف بیشتر می‌پردازند و کم‌درآمدها (حقیقی یا حقوقی)، با خرید و مصرف کمتر، مالیات کم‌تری می‌پردازند. البته در این میان، مسایل جزئی مانند مالیات بر ارث، هنوز مورد بحث است.

نویسنده بر این عقیده است که این امر نیز می‌تواند به راحتی در این نظام جا بیفتد. این مالیات نیز می‌تواند در قالب فروش از سوی متوفی به بازماندگان، به راحتی حل شود. بدین‌سان، افزون بر حذف ادارات عریض و طویل‌داری با نیروی انسانی زیاد، از ارتباط پرداخت‌کنندگان مالیات با ممیزها، سرممیزها و...

نگاهداری حساب شرکت‌ها که پایه سود و زیان و در این فرآیند، مبنای محاسبه مالیات آن‌هاست، تغییرهای اساسی به وجود آورده‌اند. حتاکشورهای محافظه‌کاری مانند بلژیک و فرانسه که شیوه نگاهداری حساب شرکت‌ها وسیله «دفترهای رسمی و پلمب‌شده»، از سوی آنان به ما رسیده است، چندین دهه است که این شیوه را ترک گفته‌اند. این شیوه امروزه در نادر کشورهای از جهان سوم، از جمله در جمهوری اسلامی، پابرجاست.



از سوی دیگر، از آغاز دهه نود میلادی سده پیشین (سال‌های ۱۳۷۰ خورشیدی)، این اندیشه در میان ویژگیان (متخصصان) علوم مالیاتی قوت گرفته است که می‌بایست نظام سنتی مالیاتی را از بن و پایه، دگرگون کرد. این تفکر که از ایالات متحده آمریکا نشأت گرفت، امروز در میان گروهی

پس از جنگ جهانی دوم، دید جدیدی در زمینه بودجه‌بندی و در این راستا، در نظام مالیاتی کشورهای پیش‌رفته صنعتی به وجود آمد. کشورهای مزبور به این نتیجه رسیدند که برخلاف طرز تفکر حاکم مبنی بر توازن سالانه بودجه، می‌بایست این توازن در میان مدت برقرار شود و در این فرآیند، کوشیدند تا نظام مالیاتی را نیز با آن هم‌آهنگ کنند. از این‌روی، در سال‌های رکود که حجم مالیات‌ها کم‌تر است، دولت باید حتماً با افزودن بر هزینه‌ها، بودجه را با کسری تنظیم کند و به مورد اجرا گذارد و در سال‌های رونق، برعکس. یعنی در سال‌های مزبور که حجم درآمد مالیاتی دولت بیشتر است، برای پیشگیری از ایجاد تورم، باید از هزینه‌های دولتی کاسته شود. در نتیجه دولت در میان مدت، دارای بودجه متوازن خواهد بود. بدین‌سان، «توازن سنتی» بودجه، جای خود را به «توازن پویا» (دینامیک) سپرد.

در این راستا، نقش «مالیات» نیز دستخوش تغییر شد و از مفهوم سنتی آن‌که عبارت بود از تأمین هزینه‌های دولت، فراتر رفت. بدین‌سان، مالیات نیز در کنار «نرخ بهره»، به عنوان عامل مؤثری در جهت ایجاد رونق اقتصادی و سیاست ضدتورمی، مورد شناخت و عمل قرار گرفت. از این‌روی، دولت‌ها در دوران رکود، از حجم مالیات‌ها در راستای تشویق به سرمایه‌گذاری، و در این فرآیند، رسیدن به رونق اقتصادی می‌کاهند. در برابر در دوران رونق، هرگاه با دستکاری نرخ بهره نتوانند از بروز تورم در اقتصاد جلوگیری کنند، از عامل مالیات و به ویژه مالیات‌های غیرمستقیم، یاری می‌گیرند.

از سوی دیگر، نزدیک به نیم قرن است که کشورهای پیش‌رفته صنعتی و به بیرونی از آن‌ها، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، در شیوه

در سطح قابل توجهی کاسته می‌شود و حتی در مواردی به صفر می‌رسد.

اما، در جهانی که به سرعت در حال پیشرفت و دگرگونی است و هر روز شیوه‌های نوینی ابداع و به کار گرفته می‌شود، نظام مالیاتی کشور ما نیز به مانند دیگر امور، هنوز «اندر خم یک کوچه» است. شاید باید گفت که حتماً نشانی آن کوچه «را هم به درستی نمی‌دانند». نظام مالیاتی کشور، چه از نظر قوانین و مقررات و چه از نظر اجرا (نگاهداری حساب‌ها، تعیین میزان مالیات بر پایه حساب‌های مزبور و اخذ مالیات)، متعلق به دوران اواخر قاجاریه و آغاز پهلوی است.

امروزه، ایران جزو معدود کشورهای آسیا، آفریقا و شاید برخی از نقاط آمریکای جنوبی است که شرکت‌ها (اشخاص حقوقی)، مجبورند از نظام «دفترهای قانونی پلمب شده»، پیروی کنند. یک اشتباه کوچک در «قلمی کردن» حساب‌ها در دفترهای قانونی و یا خط خوردگی، موجب رد دفترهای مزبور از سوی ممیزان مالیاتی می‌شود و شرکت مزبور مشمول «تشخیص علی‌الراس» (یعنی هر آن چه را که ممیز تشخیص می‌دهد)، می‌گردد. این که بر روی «قلمی کردن» تکیه کردم، به این معناست که برای جلوگیری از اشتباه، نخست دفترهای قانونی را با مداد می‌نویسند و سپس قلمی می‌کنند!!

از بحث این که چه فسادی در پشت این روش پنهان است و در صورت اشتباه در نقل حساب‌ها و یا خط خوردگی دفترهای پلمب شده، برخی از شرکت‌ها تا چه میزان حاضرند برای دریافت دفترهای پلمب شده به تاریخ پیش بردازند، پرهیز می‌کنم. زیرا آن چه که عیان است، چه حاجت به بیان است.

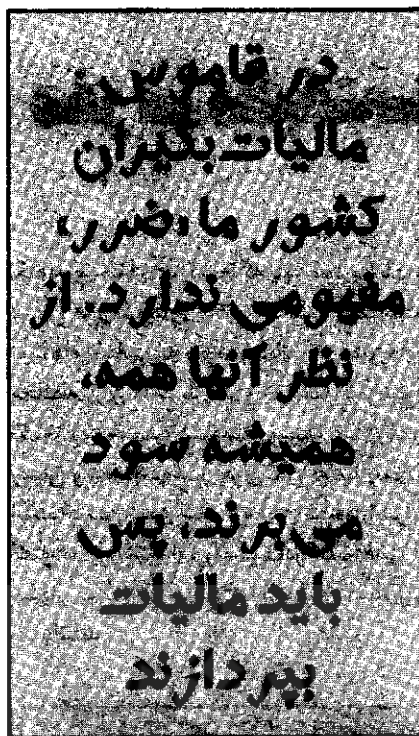
اما، پیروی از این شیوه نگاهداری حساب، باعث آرامش خاطر پرداخت‌کنندگان مالیات نیست. ممیزان مالیاتی می‌توانند با رد کردن اقلامی از هزینه‌ها، شرکتی را که زیان دیده است، سودآور قلمداد کنند. در این جا هم به واقع، هزینه‌های قابل قبول، هم روشن نیستند و هم با پیشرفت جهان و اقتصاد امروز ناهم‌آهنگ نمی‌باشند. در چنین مواردی، برپایه سود فرضی، مالیات متعلقه تعیین می‌گردد و جالب‌تر این که سود مزبور را میان سهام‌داران شرکت توزیع کرده و مبالغی هم به

فشار زنجیره‌ای!

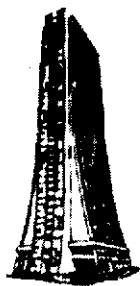
مشکل مهم نظام مالیاتی کشور، عبارت است از شعار اخذ مالیات هرچه بیشتر. گرفتن مالیات بیشتر، باعث تفاخر وزیران و دستگاه‌های مالیاتی کشور است، اما این که این کار به چه قیمت تمام می‌شود و چه زیان‌هایی را می‌تواند به دنبال داشته باشد، هرگز مطرح نیست.

چنانچه گفته شد، مالیات نه تنها در امر بودجه‌بندی پویا (دینامیک)، نقش مهمی دارد، بلکه در امر پیشگیری و مبارزه با تورم نیز از اهرم‌های نیرومند به حساب می‌آید. دولت‌ها در دوران‌های رکود از حجم مالیات‌ها می‌کاهند تا با افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌ها، رونق دوباره به اقتصاد باز گردد و در دوران‌های رونق می‌کوشند با افزودن بر حجم مالیات‌ها (به ویژه مالیات‌های غیرمستقیم)، روند تورمی را کند کرده و یا از بروز آن جلوگیری کنند.

بعد از انقلاب، اقتصاد ایران به دلایل گوناگون



عنوان مالیات بر سود سهام‌داران، طلب می‌کنند. نکته قابل توجه این جاست که مالیات سود فرضی از سهام‌داران طلب نمی‌شود بلکه در اکثر موارد از شرکت «مطالبه» می‌گردد. هرگز در این فراگشت، روی دیگر سکه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. یعنی به این مسأله توجه نمی‌شود که ممکن است در مواردی سهام‌داران با توجه به سود فرضی به این فکر افتند که از سوی هیأت مدیره، مدیر عامل و ناظران مالی شرکت و... به آن‌ها خیانت شده است. بدو تردید در میان پرونده‌های قضایی کشور، می‌توان این‌گونه موارد را ردیابی کرد.



شرکت مهندسی ساختمان

ایمان سازه

طرح - نظارت - اجرا

ساختمانهای بتنی و فلزی

نشانی:

یوسف آباد - بعد از میدان کلاتری

نش خیابان ۵۲ - پلاک ۱/۲۲۶

طبقه همکف - آپارتمان شماره ۲

تلفن: ۸۰۴۳۴۷۷-۸۰۵۱۵۸۶

فاکس: ۸۰۴۱۳۰۲

که مهم‌ترین آن سوءمدیریت است و جای بحث آن در این مقاله نیست، دچار مشکل‌های فراوان و از جمله مشکل ساختاری است. اقتصاد کشور، پس از جنگ عراق، به دنبال یک دوره کوتاه «رونق کاذب»! که به قیمت چند ده میلیارد دلار بدهی برای کشور تمام شد، چند سال است که دچار رکود است. این‌که گفته شد چند ده میلیارد، برای آن است که هنوز هیچ یک از مسئولان گذشته و حال، اعلام نکرده‌اند که در دوران موسوم به «سازندگی» چه میزان وام (با نام‌های گوناگون و عناوین مختلف) و با چه بهره‌هایی به حساب مردم ایران، از خارج گرفته شده است. بحث این مسئله که وام‌های مزبور به چه مصرفی رسیده‌اند و آثار کالبدی (فیزیکی) آن‌ها کدامند، سخن جداگانه‌ای است که جای بحث آن این‌جا نیست و یا چنان‌که سابقه نشان می‌دهد، پرسشی است بدون پاسخ.

نکته شایان توجه این است که در دوران رکود اقتصادی کشور، هر ساله برحجم مالیات‌ها افزوده شده است و چنان‌که اشاره شد، این امر باعث افتخار وزیران و کارکنان رده بالای وزارت دارایی است و شاید از پرتو آن، پاداش‌هایی هم نصیب آنان شده است!

نخست نگاهی به حجم مالیات‌ها در سال اخیر بیفکنیم و افزایش آن را با افزایش نرخ تورم در نظر گیریم. در این میان، از یاد نبریم که ارقام اعلام شده از سوی بانک مرکزی درباره نرخ تورم، مورد اعتراض مرکز آمار ایران قرار گرفت و مرکز مزبور به حق اعلام کرد که ارقام واقعی بالاتر است. این چیزی است که مردم میهن ما با گوشت و پوست خود احساس می‌کنند. ارقام شاخص‌ها که بیشتر برای نمایش در خارج از کشور است، نمی‌تواند نشان دهنده ارقام واقعی

تورم که در نرخ نان، گوشت، آب، برق، تلفن، مسکن و... متبلور است، باشد. مردم به راحتی در می‌یابند که همه چیز امسال از سال پیش گران‌تر است و سال پیش از سال پیش‌تر. حال چگونه است که نرخ تورم پایین آمده، پرسشی است شگفت‌آور.

دریافت قطعی دولت از محل مالیات‌ها در سال ۱۳۷۰ خورشیدی مبلغ ۲۷۷۵ میلیارد ریال بوده است که این مبلغ در سال ۱۳۷۷ به ۲۱۹۰۳ میلیارد ریال رسیده است. یعنی کمابیش، شالانه از رشدی برابر با ۳۳ درصد برخوردار بوده است. همان‌گونه که اشاره شد، کشور در سال‌های مزبور، پس از گذر از مرحله «رونق کاذب»، از میانه‌های سال ۱۳۷۳ در رکود اقتصادی به سر می‌برد.

(میلیارد ریال)

سال	دریافت‌های دولت از محل مالیات
۱۳۷۰	۲۷۶۵
۱۳۷۱	۳۷۹۰
۱۳۷۲	۴۰۶۱
۱۳۷۳	۵۴۹۱
۱۳۷۴	۷۳۱۳
۱۳۷۵	۱۲۵۶۰
۱۳۷۶	۱۷۳۴۵
۱۳۷۷	۲۱۹۰۳۰

مأخذ: سالنامه آماری کشور

در این محاسبات سال ۱۳۶۹ به‌عنوان سال پایه در نظر گرفته شده است. یعنی در سال ۱۳۶۹ شاخص هزینه زندگی برابر ۱۰۰ بوده است. بدین‌سان میان سال‌های مزبور، تورم از رشدی کمابیش ۲۵ درصد برخوردار بوده و یا به گفته دیگر میانگین تورم در سال‌های مزبور برابر با ۲۵ درصد بوده است.

۱۰۰-۱۳۶۹

سال	شاخص هزینه زندگی
۱۳۷۰	۱۲۰/۷
۱۳۷۱	۱۵۰/۱
۱۳۷۲	۱۸۴/۴
۱۳۷۳	۲۴۹/۳
۱۳۷۴	۳۷۲/۴
۱۳۷۵	۴۵۸/۸
۱۳۷۶	۵۳۸/۲
۱۳۷۷	۵۶۸/۴

مأخذ: بانک مرکزی

از سوی دیگر، طرز وصول مالیات و فرهنگ حاکم بر آن، به شدت بر روند افزایشی تورم در کشور مؤثر است. میزان از سوی سرمیزان و آنان وسیله مدیران و مدیران کل و سرانجام همه آنان وسیله وزیر و شخص وی نیز از سوی هیأت دولت برای اخذ مالیات بیشتر زیر فشار قرار دارند. به دو مثال ساده در این زمینه بسنده می‌کنم:

۱- تأثیر تورمی شدید نحوه مالیات‌بندی وصول مالیات‌ها بر کرایه مسکن.

کرایه مسکن و سوخت و روشنایی، در هزینه زندگی دارای ضریب اهمیتی برابر با ۲۵/۱۸ است. یعنی بعد از «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» دارای مهم‌ترین ضریب اهمیت است. در سال‌های اخیر، کرایه مسکن به صورت تصاعدی بالا رفته است و اجاره‌نشین‌ها، این وضع را از چشم صاحب خانه‌ها و در اثر طمع‌ورزی آنان می‌دانند. گروهی از کارشناسان، دلیل این مسأله راه کمی عرضه واحدهای اجاره‌ای می‌دانند و مسئولان نیز دلایل ناموجهی را در این زمینه ارائه می‌کنند. در حالی که از مهم‌ترین عوامل بالا رفتن کرایه مسکن،

مجله دام و کشت و صنعت

از سراسر کشور همکار مطبوعاتی با درآمد مکفی در زمینه تهیه گزارش‌های کشاورزی، دامپروری، صنایع غذایی، ماشین‌آلات کشاورزی و سایر رشته‌های مرتبط می‌پذیرد

لطفاً مشخصات و سوابق کاری خود را با نمابر ۸۸۳۳۳۶۱ ارسال نمایید.

افزایش سالانه مالیات بر کرایه مسکن است.

چنان که می‌دانیم، غالب قراردادهای اجاره مسکن دستی نوشته می‌شود. تنظیم سند اجاره از طریق دفترهای اسناد رسمی، افزون بر آن که وقت‌گیر است و مستلزم هزینه، به دلیل اجبار در ارائه اسناد گوناگون، از قبض مفاصاحساب مالیاتی گرفته تا مدرک «پایان کار» و... امری است بسیار مشکل و در مواردی بسیار طولانی. دستگاه‌های گوناگون دولتی، از اداره دارایی گرفته تا آب و برق و تلفن و شهرداری و... در برابر پولی که دریافت می‌کنند، قبضی که به مفهوم مفاصاحساب باشد به پرداخت‌کنندگان تحویل نمی‌دهند. پرداخت‌کننده برای دریافت مفاصاحساب، می‌بایست سال‌ها قبض‌های پرداختی را در جای امن نگاهداری کند. زیرا در صورت تقاضا، متقاضی باید قبض‌های چند دهه پیش را ارائه کند. در صورت گم شدن هریک از قبض‌ها می‌بایست وجه آن را با جریمه دیرکرد و... دوباره بپردازد. بدین‌سان گرفتن مفاصاحساب از یکی از دستگاه‌های دولتی، مستلزم صرف وقت بسیار و در مواردی هزینه‌های غیرقابل پیش‌بینی است.

بدین‌سان، با افزودن بی‌حساب به مالیات اجاره‌هایی که از سوی مالکان دریافت نمی‌شود، آنان مجبور می‌شوند که در تجدید قرارداد، مبلغ اجاره را در حدی که بتواند جوابگوی مالیات‌های مورد مطالبه قرار گیرد، افزایش دهند. این امر، نه تنها بر روند تورم اثر افزایش‌دهنده دارد بلکه بر حجم فساد نیز می‌افزاید. گروه بزرگی از مردم میهن ما که کرایه‌متشین هستند، ناچارند با افزایش بی‌رویه کرایه مسکن، مبلغ مزبور را از راه‌های غیرقانونی، آلوده به فساد و... تهیه و تأمین کنند. شکافتن همه ابعاد این مسأله، به بحث بسیار گسترده‌ای نیازمند است که در حوصله این مقاله نیست.

۲- تأثیر توری افزایش مالیات بر مشاغل در دوران رکود

همین رویه و چنین برخوردی با صاحبان پیشه و کسب نیز مرسوم است که فرایند آن افزایش تورم و فسادهای گوناگون است.

روزگاری در این کشور به ویژه در شهر تهران، فرش و آنتیک، از رواج ویژه‌ای برخوردار بود. اما از میانه سال‌های ۱۳۷۲ که آثار رونق کاذب زایل شد، دست‌اندرکاران این دو رشته از کار و پیشه با رکود خاصی مواجه شدند. اما، مالیات‌ها برای اصناف مزبور، هر ساله در حال افزایش است و

یک مشکل مهم نظام مالیاتی کشور ما عبارت است از پیروی از شعار اهل مالیات هر چه بیشتر، ولو به بهای پائین شدن حقوق مردم

مجبورند باز نگاه دارند، مالیات درآمدی را که کسب نکرده‌اند، بپردازند، البته در غالب موارد، از راه نادرست. درست است که مالیات حق است. اما، مالیات بر درآمد. در هیچ کجای دنیا و در هیچ عصر و زمانه‌ای، از زیان مالیات نگرفته‌اند. در عرف نظام مالیاتی ایران، زیان وجود ندارد! در شرایطی که می‌بایست از فشار توری کاست و در این راستا کرایه‌های مسکن را پایین آورد تا جلوی سقوط خانواده‌ها در دام انواع مفاصد اجتماعی و اقتصادی گرفته شود، نمی‌بایست با افزودن «دل به خواه» بر مالیات واحدهای استیجاری و در این فرایند، تعیین اجاره‌های بالا و کمرشکن برای مسکن، اجتماع را به سوی فساد، درماندگی و فقر، سوق داد. به همین‌گونه است، حال و روز غالب اهل کسب و پیشه و شرکت‌ها و اشخاص حقوقی. اما در در همین نظام، بنیادهای بزرگ که در مجموع بزرگ‌ترین واحدهای اقتصادی کشور را دارا هستند، از مالیات معافند!

توجیه مالیات‌بگیران هم این است که اگر صرف نمی‌کند، ببندید! امروز رشته‌های دیگری از کسب مانند لوازم خانگی، مبل و مانند آن‌ها نیز به همان سرنوشت فرش و آنتیک دچار شده‌اند، اما مالیات‌ها، سال به سال در حال تزاید است!

کسانی که محل درآمدش از مغازه است، مجبور است مالیات‌های سنگین را بپردازد، اما محل کسب را تعطیل نکنند. اما، از چه راه؟ هرگاه آمار دقیقی از صاحبان چک‌های برگشتی بر حسب شغل آنان داشتیم، می‌توانستیم گوشه‌هایی از این معضل اجتماعی را به روشنی ببینیم. آن‌ها برخلاف این گفته که «اگر صرف نمی‌کند، ببندید»،

TOLID MALZOOMAT BARCHI



تولید مالزومات برق

طراح و سازنده:
برج‌های تلسکوپی مرتفع روشنایی از ۱۷ تا ۳۵ متر
دکل‌های تلسکوپی خطوط انتقال نیرو
از ۲۰ تا ۴۰۰ کیلووات
پایه های روشنایی خیابانی چند وجهی
انواع سازه‌های فلزی
وساخت تابلوهای برق (توزیع - کنترل - فرمان)

دفتر مرکزی:
پل ستارخان - خیابان پاک شمالی
کوچه مهدی - شماره ۲۲
تلفن: ۸۲۵۵۸۹۱۴ - ۸۲۵۵۲۹۰۹ - ۸۲۵۵۸۷۷۷
دورنگار: ۰۷۰۷ - ۸۲۶